

مجله علمی مطالعات زبانی و بلاغی

سال ۱۲ - شماره ۲۶ - زمستان ۱۴۰۰

صفحات ۱۹۷ - ۲۳۲ (علمی - پژوهشی)

## سبک‌شناسی انتقادی نامه شاه تهماسب صفوی به سلطان

### سلیمان عثمانی با رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی

امیر حسین سالک\* / محمدامیر جلالی\*\*

#### چکیده

«زبان» محمل ایدئولوژی است؛ و «قدرت» همواره «زبان» را در راستای سیطره خویش به کار گرفته است. مقاله حاضر به تحلیل سبک‌شناختی و بررسی بخش‌های نامه‌ای از شاه تهماسب صفوی به سلطان سلیمان عثمانی از دیدگاه تحلیل گفتمان انتقادی اختصاص دارد. این نامه یکی از مهمترین نامه‌هایی است که در جریان پیمان صلح «آماسیه» و در حوالی سال ۹۶۲ ه.ق از ایران به سوی دربار عثمانی فرستاده شده است. نگارندگان ابتدا متن این نامه مطول را براساس دست‌نویس موسوم به «جنگ فرامین و منشآت» محفوظ در کتابخانه مجلس به شماره ۳۳۴۹ تصحیح و سپس بخشی از آن را با مبنای قراردادن رویکرد اجتماعی-نشانه‌شناختی فرکلاف و به کمک راهبردهای رویکرد اجتماعی-شناختی ون‌دایک و نیز براساس یکی از مؤلفه‌های الگوی جامعه‌شناختی-معنایی ون‌لیوون، همچنین با کمک گرفتن از ابزارهای سبک‌شناسی انتقادی تحلیل و تفسیر کرده‌اند. این پژوهش نشان می‌دهد که چگونه «قدرت» زبان را در راستای ترویج و تثبیت ایدئولوژی و اهداف خود به کار گرفته است. فراوانی بالای رمزگان نهاد دین در سطح ساختاری و نیز کمیّت و کیفیت ترکیبات رمزگانی در سطح فرایندی نشان‌دهنده جهت‌گیری ایدئولوژیکی دستگاه صفوی و نیز تکیه نهاد قدرت بر نهاد دین و گفتمان دینی است. در این نامه، گفتمان‌هایی نظیر حقانیت و برتری مکتب شیعه را در عنصر زبانی «شاخص» نیز می‌توان مشاهده کرد. ویژگی‌های زبانی این متن، همچنین نشانگر «اقتدار» سیاسی-نظامی دستگاه صفوی هنگام عقد پیمان آماسیه است.

**کلیدواژه:** زبان و ایدئولوژی، تحلیل گفتمان انتقادی، سبک‌شناسی انتقادی، شاه تهماسب

صفوی، سلطان سلیم عثمانی، جنگ فرامین و منشآت

\* دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبائی

\*\* استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول)

## ۱. مقدمه

بخشی از دوران حکومت شاه تهماسب (۹۱۹-۹۸۴ ه.ق) / حکومت ۹۳۰-۹۸۴ ه.ق)، فرزند شاه اسماعیل (۸۹۲-۹۳۰ ه.ق) و دومین پادشاه صفوی، هم‌زمان با دوران حکومت سلطان سلیمان اول (۸۹۹-۹۷۳ ه.ق) / حکومت ۹۲۶-۹۷۴ ه.ق) و بخشی دیگر هم‌زمان با حکومت سلطان سلیم دوم عثمانی (۹۳۰-۹۸۱ ه.ق) / حکومت ۹۷۴-۹۸۲ ه.ق) بود.

نخستین و مهم‌ترین نبرد میان دولت ایران و عثمانی در زمان شاه اسماعیل اول و سلطان سلیم در تاریخ دوم رجب سال ۹۲۰ ه.ق در دشت چالدران اتفاق افتاد و با شکست دولت ایران خاتمه یافت. از آن تاریخ تا سال ۹۶۱ این دو دولت مدام در حال جنگ و جدال بودند. پیمان «آماسیه» نخستین پیمان صلحی است که پس از جنگ‌های بیست‌ساله بی‌ثمر و ویران‌کننده میان دولت ایران و عثمانی در سال ۹۶۲ ه.ق به امضا رسید. این پیمان که بین شاه تهماسب یکم و سلطان سلیمان یکم در شهر آماسیه بسته شد، با مشخص کردن مرز ایران و عثمانی، ۲۰ سال آرامش را میان دو کشور برقرار کرد و تا اواخر سلطنت شاه عباس اول (۱۰۳۸-۹۷۸ ه.ق) / حکومت ۹۹۶-۱۰۳۸ ه.ق) پایدار ماند. «رسمیت قرارداد در سال ۹۶۹ تحقق یافت و "الصلحُ خیر" ماده تاریخ آن گردید.» (نویسی؛ ۱۳۶۸: ۱۹۸).

پیش از برقراری صلح، مکاتبات و مراسلات فراوانی بین دو دربار ایران و عثمانی صورت گرفته است تا این پیمان تاریخی منعقد شود. با توجه به شواهد و قرائن درون-متنی و برون‌متنی، نامه‌ای که در مقاله حاضر به بررسی بخشهایی از آن پرداخته خواهد شد، یکی از مهم‌ترین نامه‌های تأثیرگذار در این جریان به حساب می‌آید. این نامه البته مکتوبی است پر عتاب و تهدید، و پاسخی به نامه اهانت‌آمیز دربار عثمانی به ایران. در پژوهش حاضر بخشی از متن این نامه مطول که توسط نگارندگان بر پایه دست‌نویس موسوم به «جنگ فرامین و منشآت» محفوظ در کتابخانه مجلس تصحیح شده است، با مبنا قراردادن رویکرد اجتماعی- نشانه‌شناختی فرکلایف (زبان‌شناس انگلیسی، زاده

۱۹۴۱م) و راهبردهای رویکرد اجتماعی - شناختی و ن‌دایک (زبان‌شناس هلندی زاده ۱۹۴۳م) و نیز بر اساس یکی از مؤلفه‌های الگوی جامعه‌شناختی - معنایی و ن‌لیوون (زبان‌شناس هلندی، زاده ۱۹۴۷م)، همچنین با کمک گرفتن از ابزارهای سبک‌شناسی انتقادی تحلیل و تفسیر شده است.

### ۱-۱. پرسش‌های پژوهش

۱. گفتمان «غالب» در ایرانِ عصر شاه تهماسب اول کدام است و بر مبنای مکاتبات عصر صفوی چگونه از ابزار زبان سود جست‌ه است؟
  ۲. زبان در مکاتبات عصر صفوی چگونه باعث مشروعیت‌بخشی به یک گفتمان خاص شده و چگونه توزیع یا کانونی شدن قدرت در سطح جامعه را موجب آمده است؟
- . زبان و قدرت حاصل از زبان در مکتوبات عصر شاه تهماسب اول چگونه توسط ایدئولوژی غالب به کار گرفته شده است؟

### ۲. پیشینه پژوهش

حسینی سروری (۱۳۹۳) در «تحلیل انتقادی گفتمان قصیده‌ای از سنایی» یکی از قصاید معروف سنایی را از منظر تحلیل گفتمان انتقادی، بار رویکرد نورمن فرکلاف کاویده است. این پژوهش نشان می‌دهد یک متن (قصیده سنایی) به منزله رخدادی ارتباطی، فقط بازتابی از کردار اجتماعی روزگار خود نیست؛ بلکه با بازتولید نظم گفتمانی، به حفظ وضع موجود کردار و نظم اجتماعی کمک می‌کند. ناصری و همکاران (۱۳۹۴) در «تحلیل گفتمان انتقادی داستان مرگ بونصر مشکان بر اساس رویکرد نورمن فرکلاف» رویکرد فرکلاف را در بررسی یک متن منثور به کار بسته‌اند؛ در این پژوهش با بررسی لایه‌های پنهان متن (وضعیت رابطه قدرت و ایدئولوژی عصر غزنوی) به نوعی آشنایی‌زدایی انتقادی در خوانش بخش مذکور از تاریخ بیهقی دست یافته‌اند. زمانی و همکاران (۱۳۹۶) نیز در «رابطه زبان و قدرت در نخستین شعر نو فارسی (تحلیل گفتمان انتقادی شعر «وفای به عهد»)» با کاربست مدل

سه بعدی فرکلاف در تحلیل گفتمان انتقادی، کارکرد زبان در یک متن ادبی همچنین مناسبات قدرت در عصر تولید آن را بررسی کرده‌اند. این پژوهش نشان می‌دهد که چگونه می‌توان با بررسی‌های زبانی گفتمان‌های موجود در یک متن را شناسایی کرد و این گفتمان‌ها چه ارتباطی با مناسبات قدرت در عصر تولید متن دارد. پهلوان‌نژاد و ناصری مشهدی (۱۳۸۷) در «تحلیل متن نامه‌ای از تاریخ بیهقی با رویکرد معنی‌شناسی کاربردی» تلاش کرده‌اند تا از منظر نظریه‌کنش‌های گفتاری سرل به تحلیل و بررسی روابط بین نویسنده و مخاطب پردازند. نویسندگان از رهگذر این پژوهش به تبیین ظرفیت‌های زبانی متن و نشان‌دادن توانایی‌های نویسنده برای برقراری یک ارتباط موفق پرداخته‌اند. در محور دوم یعنی سبک‌شناسی انتقادی، دُرپر (۱۳۹۱) در «سبک‌شناسی انتقادی، رویکردی نوین در بررسی سبک بر اساس تحلیل گفتمان انتقادی» به معرفی رویکرد سبک‌شناسی انتقادی، پیشینه این دیدگاه در پژوهش‌های زبانی و ادبی و نیز معرفی چگونگی به‌کارگیری این اسلوب در فهم و تحلیل متن می‌پردازد. پس از آن در «قطعیت بالای متن و قاطعیت نویسنده در سبک نامه‌نگاری غزالی» (۱۳۹۲) بر اساس مقاله پیشین و اسالیبی که در آن تدوین کرده بود به تحلیل و سبک‌شناسی نامه‌های غزالی و بررسی سبک نامه‌نگاری او پرداخته است. مهم‌ترین اثر او یعنی سبک‌شناسی انتقادی (سبک‌شناسی نامه‌های غزالی با رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی) (۱۳۹۶)، در حوزه مطالعات سبک‌شناسی انتقادی تدوین شده است؛ اما مبنای تحلیل‌های آن رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی است. کتاب‌ها و مقاله‌های نظریه‌مبنای متعددی در حوزه تحلیل گفتمان و سبک‌شناسی انتقادی نوشته شده است که محل مراجعه و مذاقه قرار گرفتند؛ اما در اینجا صرفاً به پیشینه پژوهش‌های متن‌محور اشاره شد. هیچیک از این پژوهش‌ها به بررسی مکاتبات عصر صفوی نپرداخته‌اند؛ مضاف بر اینکه پژوهش حاضر چنانکه خواهیم گفت در مبنای نظری نیز دارای تفاوتی با پژوهش‌های پیشین است.

### ۳. مبانی نظری

#### ۳-۱. سبک‌شناسی انتقادی

سبک‌شناسی انتقادی<sup>۱</sup> اصطلاحی است برای اشاره به آن دسته از آثار سبک-شناختی که روش‌هایی را بررسی می‌کنند که در آن‌ها مفاهیم اجتماعی از طریق زبان آشکار می‌شوند (نورگارد، ۱۳۹۷: ۲۷). این گرایش از علم سبک‌شناسی، به دنبال ظهور تحلیل گفتمان انتقادی و به عنوان رویکردی تأثیرگذار در بررسی نقش ایدئولوژی در مطالعات زبان ظهور و گسترش یافت (Jeffries, 2014: 408).

#### ۳-۲. تحلیل گفتمان انتقادی

تحلیل گفتمان انتقادی<sup>۲</sup> ریشه در زبان‌شناسی انتقادی دارد. این رویکرد نشان می‌دهد که چگونه «قدرت» و «ایدئولوژی» و دیگر مفاهیم اجتماعی در زبان و به وسیله زبان بیان می‌شوند و چگونه زبان بر جهان بینی و نحوه درک ما از هستی تأثیر می‌گذارد (فتوحی، ۱۳۹۲: ۱۸۶). این رویکرد تلاش می‌کند تا روابطی را که از دید مردم پنهان است به شیوه «انتقادی» آشکار کند و هدف آن بررسی انتقادی نابرابری‌های اجتماعی است، آنگونه که در زبان به کار می‌رود و این کاربرد مستمر موجب شکل‌گیری، تثبیت و مشروعیت آن می‌شود (آفاگل‌زاده و غیاثیان، ۱۳۸۶: ۴۰).

#### ۳-۲-۱. مهم‌ترین رویکردهای حوزه تحلیل گفتمان

چهار رویکرد عمده در حوزه تحلیل گفتمان انتقادی عبارتند از: ۱. زبان‌شناسی انتقادی ۲. رویکرد اجتماعی - نشانه‌شناختی ۳. رویکرد گفتمانی - تاریخی ۴. رویکرد اجتماعی - شناختی. (ون‌دایک، ۱۳۹۴: ۶) مبنای نظری این پژوهش بر پایه تلفیق دو رویکرد اجتماعی - نشانه‌شناختی نورمن فرکلاف و رویکرد اجتماعی - شناختی ون‌دایک است.

#### ۳-۲-۱-۱. رویکرد اجتماعی - نشانه‌شناختی فرکلاف

---

1Critical Stylistics  
2Critical discourse analysis

نورمن فرکلاف<sup>۱</sup> در مقایسه با دیگر تحلیل‌گران انتقادی گفتمان، منسجم‌ترین و جامع‌ترین نظریه را تدوین کرده است. وی رویکردش را مطالعه انتقادی زبان می‌نامد و هدفش را کمک به افزایش هوشیاری نسبت به زبان و قدرت، و به‌ویژه نسبت به اینکه چگونه زبان در سلطه بعضی‌ها بر بعضی دیگر نقش دارد، بیان می‌کند (فرکلاف، ۱۹۸۹، به نقل از سلطانی، ۱۳۹۷: ۶۰). فرکلاف از اصطلاح «گفتمان» برای اشاره به کل فرایند تعامل اجتماعی استفاده می‌کند که «متن» فقط بخشی از آن است. او به نقش فعال گفتمان در ساختن جهان اجتماعی تأکید می‌کند. منظور فرکلاف از «متن» همان است که مورد نظر هلیدی (زبان‌شناس انگلیسی، ۱۹۲۵-۲۰۱۸)<sup>۲</sup> (ر.ک هلیدی و حسن، ۱۳۹۵: ۴۹) است و این اصطلاح دربرگیرنده متن گفتاری و نوشتاری است. بر اساس رابطه کل و جزئی که میان «گفتمان» و «متن» برقرار است، تحلیل متن نیز بخشی از تحلیل گفتمان است. از چشم‌انداز رویکرد فرکلاف به تحلیل گفتمان، ویژگی‌های صوری متن از یک سو به‌عنوان ردپاهای فرایند تولید و از دیگر سو به‌عنوان سرخ‌هایی در فرایند تفسیر در نظر گرفته می‌شود. به‌همین منظور فرکلاف، سه جنبه یا مرحله (مدلی سه‌بعدی) را برای تحلیل گفتمان انتقادی از هم تمییز می‌دهد:

### ۱-۱-۲-۳. توصیف

«توصیف» مرحله‌ای است که با ویژگی‌های صوری متن ارتباط دارد؛ یعنی تحلیل ساخت‌های زبانی و ویژگی‌های صوری متن. تحلیل متن از نظر فرکلاف شامل تحلیل زبانی در قالب واژگان، دستور، نظام آوایی و انسجام در سطح بالاتر از جمله است. تحلیل زبانی هم ویژگی‌های واژگانی- دستوری و هم ویژگی‌های معنایی را دربر می‌گیرد. به‌عقیده فرکلاف «متون فضاهایی اجتماعی‌اند که در آن‌ها دو فرایند اجتماعی بنیادین به‌طور همزمان روی می‌دهد: شناخت و بازنمایی جهان، و تعامل اجتماعی.

1Norman Fairclough

2Michael Alexander Kirkwood Halliday

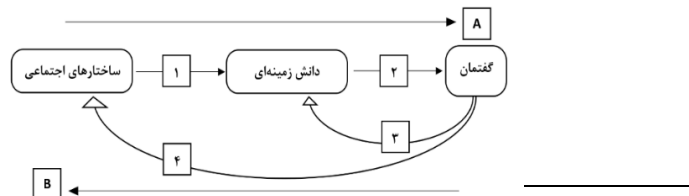
بنابراین نگاه «چندنقشی»<sup>۱</sup> به متن ضروری است؛» (فرکلاف، ۱۹۹۵؛ به نقل از سلطانی، ۱۳۹۷: ۶۵) به همین دلیل فرکلاف در مدل سه‌بعدی خود از دستور نقش‌گرای هلیدی به‌عنوان یک نظریهٔ زبانی در تحلیل متن استفاده می‌کند؛ چراکه اساساً مفهوم «نقش»<sup>۲</sup> مبنای دستور زبان هلیدی است.

#### ۱-۱-۲-۳-۲. تفسیر

فرکلاف اصطلاح تفسیر را اساساً برای دو منظور به کار می‌گیرد: یکی، تفسیر به-عنوان مرحله‌ای از تحلیل و تفسیر متن، و دودیگر، اصطلاحی برای تفسیر متون به‌وسیلهٔ مشارکت‌کنندگان گفتمان. به‌سخن دیگر تفسیر، مرحله‌ای است که به ارتباط میان متن و تعامل می‌پردازد. فرکلاف معتقد است: «تفاسیر، تلفیقی از محتویات خود متن و ذهنیت مفسر هستند و مراد از ذهنیت مفسر، «دانش زمینه‌ای»<sup>۳</sup> است که مفسر در تفسیر متن از آن استفاده می‌کند.» (۱۳۹۸: ۱۹۳)

#### ۱-۱-۳-۳-۲. تبیین

تبیین، سومین مرحلهٔ تحلیلی از مدل سه‌گانهٔ فرکلاف است که به بیان ارتباط میان تعامل و بافت اجتماعی می‌پردازد؛ اینکه چگونه فرایندهای تولید و تفسیر تحت تأثیر اجتماع قرار دارند (آقاگل‌زاده و غیاثیان، ۱۳۸۶: ۴۳). تبیین گفتمان را به‌عنوان کنش اجتماعی توصیف می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه ساختارهای اجتماعی، گفتمان را تعیین می‌بخشند؛ همچنین تبیین نشان می‌دهد که گفتمان‌ها چه تأثیرات بازتولیدی می‌توانند بر آن ساختارها بگذارند، تأثیراتی که منجر به حفظ یا تغییر آن ساختارها می‌شوند (فرکلاف، ۱۳۸۷: ۲۴۵). به این وجه اثرگذاری و اثرپذیری، «خاصیت بازتولیدی گفتمان»<sup>۴</sup> می‌گویند. این رابطه را می‌توان با نمودار زیر نشان داد:



1 Multifunctional

2 Function

3 Background Knowledge

در این نمودار که بر اساس مفاهیم مدل سه گانه فرکلاف به وسیله نگارندگان صورت بندی شده است مراد از «ساختارهای اجتماعی»، روابط قدرت است. بر این اساس، ساختارهای اجتماعی «دانش زمینه‌ای» را شکل می‌دهند (۱) و «گفتمان‌ها» بر پایه همین دانش زمینه‌ای شکل می‌گیرند؛ (۲) بنابراین، خود گفتمان‌ها می‌توانند در مقام حافظ و یا تغییر دهنده دانش زمینه‌ای قرار بگیرند؛ (۳) بنابر این گفتمان در حفظ یا تغییر ساختار اجتماعی (روابط قدرت) سهیم و دخیل است. (۴) در این نمودار، جهت پیکان «A» سیر تعین اجتماعی گفتمان به واسطه روابط قدرت را نشان می‌دهد و جهت پیکان «B» تأثیرات بازتولیدی گفتمان بر ساختارها را نمایش می‌دهد.

مرحله تبیین همچنین، چشم‌انداز خاصی از دانش زمینه‌ای به دست می‌دهد و آنچه تحت عنوان ایدئولوژی حاضر در متن معرفی می‌شود در واقع همان چشم‌انداز ویژه است. از این رو در این مرحله مفهوم ایدئولوژی و کارکرد ایدئولوژیک عناصر متنی و گفتمانی نیز تبیین و تحلیل می‌شود. با این توضیح که پیش فرض‌های مربوط به فرهنگ، روابط اجتماعی و حتی هویت‌های اجتماعی، که خود بخشی از دانش زمینه‌ای هستند، در جامعه به وسیله مناسبات قدرت تعیین می‌شوند و به میزان مشارکتی که در جهت حفظ یا تغییر روابط قدرت دارند ارزش ایدئولوژیکی پیدا می‌کنند.

۱. در اینجا «ایدئولوژی» به معنای جریان گفتمان‌ها، تصاویر و ایده‌هایی است که در تمام زمان‌ها ما را احاطه کرده‌اند و در آن‌ها زندگی، فکر و عمل کرده‌ایم. (فرتز؛ ۱۳۹۲: ۱۰۷) در واقع، ایدئولوژی در معنای گفتمانی آن مدنظر است یعنی «مجموعه‌ای ویژه از تأثیرات و پیامدها در درون گفتمان و نه مجموعه ویژه‌ای از گفتمان‌ها»؛ از این رو این مفهوم بیشتر کردار است تا حالت ذهنی و انتزاعی. (ایگیلتون؛ ۱۳۹۸: ۲۸۴) با این نگاه، می‌توان روابط قدرت و اساساً مفهوم قدرت در جامعه را در حکم کنترل اجتماعی معنا کرد و در این صورت ایدئولوژی به منزله بُعد ذهنی این نوع کنترل عمل می‌کند؛ بدین معنا که ایدئولوژی، مبنای کردارهای اعضای گروه مسلط (گفتمان غالب/ قدرتمند) را تشکیل می‌دهد و اصولی مطرح می‌کند که از رهگذر آن‌ها حتی سوءاستفاده از قدرت تصدیق، چشم‌پوشی و در اعلی‌درجه آن قانونی جلوه کرده و پذیرفته شود. بدین ترتیب اصطلاح «ایدئولوژی غالب» معنا پیدا می‌کند. ایدئولوژی غالب، به ایدئولوژی‌هایی اطلاق می‌شود که در خدمت گروه‌های مسلط قرار می‌گیرد تا به سلطه آن‌ها مشروعیت بخشد و آن‌ها را تقویت کند. (ون‌دایک؛ ۱۳۹۴: ۵۲)



### ۳-۲-۱-۲. رویکرد اجتماعی - شناختی ون‌دایک ۱

این رویکرد یکی از الگوهای است که در روشن ساختن ساختار گفتمانی نابرابری اجتماعی به کار گرفته می‌شود. نکته بارز الگوی ون‌دایک برقراری پیوند بین ساختارهای متنی، شناختی و اجتماعی است. از نظر ون‌دایک «شناخت اجتماعی» واسط بین ساختار متنی و ساختار اجتماعی است و به «نظام بازنمایی‌ها و پردازش‌های ذهنی اعضای گروه» تعریف می‌شود. ون‌دایک می‌گوید: «به لحاظ نظری مهم است که بین مفاهیم سطح خرد یا متن و مفاهیم سطح کلان یا روابط اجتماعی، واسطی به نام «شناخت اجتماعی» وجود داشته باشد. در واقع برای این که فایده اجتماعی متن‌ها را توضیح دهیم می‌طلبیم که چیزی ساختارهای متنی را به شناخت اجتماعی، و شناخت اجتماعی را به ساختارهای اجتماعی پیوند دهد.» (ون‌دایک، ۱۳۹۴: ۷). در این پژوهش، از رویکرد ون‌دایک برای بازتعریف مفهوم «ایدئولوژی» و به تبع آن «قدرت» بهره می‌بریم؛ تعریف شناختی «ایدئولوژی» که مبتنی بر شناخت‌های اجتماعی مشترک اعضای گروه است و «قدرت» که دقیقاً با توجه به همین نگاه به ایدئولوژی بازتعریف می‌شود (همان: ۱۳).

### ۴. شیوه انجام پژوهش

ویژگی‌های زبانی و سبکی نامه محل پژوهش در سه سطح (لایه) بررسی شده است:

#### ۴-۱. سطح واژگانی

#### ۴-۱-۱. رمزگان:

مفهوم «رمز» در نشانه‌شناسی بسیار بنیادی است؛ چراکه معنای «نشانه» به رمزی که در آن قرار گرفته بستگی دارد. رمزگان نشانه‌ها را به نظام‌های معنادار تبدیل می‌سازد و بدین ترتیب باعث ایجاد رابطه میان دال و مدلول می‌شود (چندلر، ۱۳۹۷: ۲۲۱). هر

---

1Teun Adrianus van Dijk

2Social Cognition

رمزگان نظامی از دانش است که امکان تولید و دریافت و تفسیر متون را ممکن می‌سازد. به سخن دیگر، «رمزگان‌ها در حکم نهادهایی عمل می‌کنند که - چه از وجودشان آگاه باشیم یا نه - به تعدیل، تعیین و از همه مهم‌تر تولید معنی می‌پردازند.» (سجودی، ۱۳۹۷: ۱۴۴). مفهوم «رمزگان» در تحلیل‌های این پژوهش، اختصاصاً برای موقعیتی ارتباطی به کار می‌رود که در آن عناصر سطح بیان با عناصر سطح محتوا پیوند خورده‌اند. این معنا محصول یکی از تقسیم‌بندی‌های قابل توجه رمزگان، یعنی تقسیم آن به «رمزگان سیستمی» (ساختاری) و «رمزگان فرایندی» است. رمزگانی که مجموعه‌ای از عناصر را به نظامی مشخص و نه الزاماً بسته پیوند می‌زند، «رمزگان ساختاری» نامیده می‌شوند و رمزگانی که دست کم دو مورد از این نظام‌ها را به هم پیوند می‌زند، «رمزگان فرایندی» نام دارد (Johansen & Larsen, 2005: 11).

#### ۴-۱-۲. شاخص

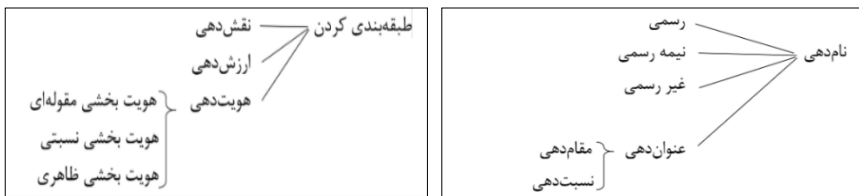
«شاخص»ها عناصری زبانی به حساب می‌آیند که مقید به بافت موقعیتی بوده و به مکان، زمان یا شخصی اشاره دارند که از طریق بافت موقعیتی قابل درک هستند (صفوی، ۱۳۹۵: ۱۶۷). به آن دسته از شاخص‌های شخصی که برحسب رابطه اجتماعی میان گوینده و مخاطب انتخاب می‌شوند، «شاخص اجتماعی» می‌گویند. در واقع شاخص اجتماعی، عنوان و لقبی است که به اقتضای موقعیت اجتماعی افراد انتخاب می‌شود. این شاخص‌ها برای ایجاد ارتباط و آماده‌سازی زمینه برای القای مطلب به شنونده از اهمیت ویژه‌ای برخوردار هستند (پهلوان‌نژاد و ناصری، ۱۳۸۷: ۴۳).

#### ۴-۱-۳. نام‌دهی / عنوان‌دهی / طبقه‌بندی

این تکنیک، اساساً، یکی از مؤلفه‌های الگوی «جامعه‌شناختی - معنایی» ونلیوون<sup>۴</sup> (۱۹۹۶) است. در این الگو شاخص‌های جامعه‌شناختی - معنایی جایگزین برخی از

1 Structural Codes  
2 Processual Codes  
3 Socio-Semantics  
4 Theodoor Jacob "Theo" van Leeuwen

شاخص‌های زبان‌شناختی شده است. او معتقد است که «کارگزاران اجتماعی» همیشه و در همه‌ی مواقع با کارگزاران زبان‌شناختی منطبق نیستند. همچنین معتقد است که میان شاخص‌های زبان‌شناختی و نقش آن‌ها، رابطه‌ی صددرصد مستقیمی وجود ندارد. منظور ون‌لیوون از «کارگزاران اجتماعی» مجموعه‌ی افرادی است که در یک واقعه، کنش اجتماعی و یک گفت‌وگو حضور و مشارکت دارند (پهلوان‌نژاد، ۱۳۸۸: ۵۵). کارگزاران اجتماعی ممکن است با توجه به هویت منحصر به فردشان یا با عنایت به هویت‌ها و نقش‌هایی که با دیگران در آن‌ها اشتراک دارند، بازنمایی شوند. شیوه‌ی اول «نام‌دهی» و شیوه‌ی دوم «طبقه‌بندی کردن» نامیده شده است (یارمحمدی، ۱۳۹۳: ۱۷۴) که هر یک چندین زیرمفهوم دارند:



#### ۴-۲. سطح نحوی

در این لایه، نظم واژه‌ها و جابه‌جایی در ساختار نحوی جمله‌ها، ساده، مرکب و پیچیده بودن آن‌ها، استقلال و تناوب جمله‌ها و نیز بررسی مقوله «وجهیت» از جمله مواردی است که می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. در این میان بررسی مؤلفه «وجهیت» در فعل‌جملات و بندها در تعیین میزان قطعیت متن و نیز مطالعه رابطه قدرت میان گوینده و مخاطب اهمیت ویژه‌ای دارد.

«وجه‌نمایی» از نظر هلیدی، مقوله‌ای معنایی- دستوری است که بر نگرش و دیدگاه گوینده نسبت به محتوای بند بیان شده به لحاظ‌هایی همچون احتمال، تداول، اجبار و تمایل دلالت می‌کند و بدین ترتیب میزان تعهد او را به اعتبار گزاره یا نوع درخواست وی برای وقوع کنش مطرح در آن نشان می‌دهد (تمیم‌داری و صدری،

۱۳۹۴: ۱۴۷). هلیدی وجهیت را در ارتباط با فرانشی بینافردی مطرح می‌کند. براساس این دیدگاه «فعل»‌های کمکی مانند شاید، باید، ممکن است و... انواع گوناگونی از وجهیت مانند اجبار و الزام و... را بیان می‌کنند که بخشی از معنای اندیشگانی بندها هستند. «وجهیت» در این معنا با مقوله «قدرت» ارتباط پیدا می‌کند (درپر، ۱۳۹۲: ۷۵). بر این اساس، فرادست از وجهیت بالا استفاده می‌کند تا قاطعیت خود را درباره موضوع مورد بحث نشان دهد؛ و در مقابل جملات و عباراتی که فرودست به کار می‌برد یا جملاتی که با استعمال وجوهی خاص از افعال مانند وجوه شناختی درباره فرودست به کار برده می‌شود، قطعیت پابینی دارد که نشان‌دهنده موضع ضعف فرودست است. به عبارت دیگر، گوینده/ نویسنده می‌تواند در توصیف از مخاطب خود یا خطاب به او، اعمال و نیاتش را با به کارگیری از نظام وجهی شناختی که بیانگر عدم شناخت کامل و ناآگاهی است، مانند: خیال کردن، تصور کردن، پنداشتن، به نظر آمدن و... توصیف کند؛ این درحالی است که احتمالاً وجوه شناختی که در مورد اعمال و رفتار خود به کار می‌برد، همه از موضع بالا و دارای قطعیت کامل است؛ مانند: درک کردن، عقیده داشتن، دریافتن، دانستن و...

### ۳-۴. سطح کاربردشناسی

معناشناسی کاربردی یکی از شاخه‌های معناشناسی زبانی است که به مطالعه معنی به هنگام کاربرد زبان می‌پردازد. این شکل از مطالعه معنی، دو حوزه عمده مطالعه کاربرد معنی، یعنی کاربردشناسی زبان و هرمنوتیک را دربرمی‌گیرد و تحلیل گفتمان را نیز که بخشی از کاربردشناسی زبان تلقی می‌شود، شامل می‌گردد. در این نوع مطالعه سعی بر آن است تا چگونگی درک معنی و عوامل مؤثر در این درک در بافت درون‌زبانی و برون‌زبانی مطالعه شود (صفوی، ۱۳۸۴: ۱۰۲).

کنش‌های گفتاری، در اصل به معانی معینی می‌پردازد که مشارکت‌کنندگان گفتمان با توجه به دانش زمینه‌ای خود و تفسیرشان از بافت متن، به اجزای تشکیل دهنده متن نسبت می‌دهند. به سخن دیگر، کارکرد کنش گفتاری توصیف کنشی است

که تولیدکننده متن به وسیله تولید متن آن را محقق می‌کند؛ مانند اظهار یک گفته، قول، تهدید، تحذیر، هشدار، دستور و... (فرکلاف، ۱۳۹۸: ۲۱۳).

سرل (فیلسوف آمریکایی زاده ۱۹۳۲م) تحت تأثیر طرح کارگفت‌های آستین (فیلسوف انگلیسی مکتب آکسفورد ۱۹۱۱-۱۹۶۰م) کنش‌های گفتاری را به شرح زیر دسته‌بندی کرده است:

۱. کنش‌های «اظهاری» یا «تصریحی»، برای بیان یک واقعه یا گزارش از یک فرایند؛
۲. کنش‌های «ترغیبی»، برای بیان تقاضا، صدور دستور، ارائه پیشنهاد یا طرح پرسش؛
۳. کنش‌های «عاطفی»، برای بیان احساسات، نگرش‌ها و ذهنیت افراد نسبت به وقایع؛
۴. کنش‌های «تعهدی»، برای بیان تعهد گوینده نسبت به تحقق عملی در آینده؛
۵. کنش‌های «اعلانی»، برای نام‌گذاری یک واقعه و اعلان یک رخداد (پهلوان‌نژاد و ناصری؛ ۱۳۸۷).

تحلیل کنش‌های گفتاری برای بررسی روابط بین گوینده و مخاطب و تعیین موضع طرفین گفت و گو در گفتار و نوشتار از اهمیت بالایی دارد. از سوی دیگر، کنش‌های گفتاری ایدئولوژی فاعلان گفتمان و مناسبات اجتماعی آن‌ها را بازنمایی می‌کند.

## ۵. جنگ فرامین و منشآت مجلس، و نامه شاه تهماسب به سلطان سلیمان

در کتاب‌خانه مجلس شورای اسلامی نسخه‌ای منحصر به فرد با عنوان «جنگ فرامین و منشآت» و با شماره‌بازیابی ۳۳۴۹ و شماره مدرک IR10-20684 نگهداری می‌شود که شامل فرامین و نامه‌های رد و بدل شده میان شاه تهماسب، شاه صفی (۱۰۵۲-۱۰۲۰ه.ق)، شاه عباس و پادشاهان و رجال عثمانی، گورکانی و ایرانی و نیز مکاتیب و منشآت دیگری از آن عهد به سه زبان فارسی، ترکی و عربی است. این نسخه بنا به عنوان یکی

---

1John Rogers Searle

2John Langshaw Austin

از نامه‌ها توسط برادرزاده اسکندر بیک ترکمان منشی (مؤلف تاریخ عالم‌آرا) گردآوری شده است (نامه ص ۱۸۹).

یکی از فصیح‌ترین و مهمترین نامه‌های این مجموعه که در پایان‌نامه کارشناسی ارشد نگارنده (امیرحسین سالک) با عنوان «تصحیح و سبک‌شناسی انتقادی ۲۰ نامه فارسی از شاهان صفوی و عثمانی (از جنگ شماره ۲۲۴۹ کتابخانه مجلس)» در دانشگاه علامه طباطبائی تصحیح و بررسی شده است، نامه‌ای مطول و حدوداً ۳۵ صفحه‌ای است که از جانب شاه تهماسب صفوی خطاب به سلطان سلیمان عثمانی نوشته شده است. عنوان این نامه بدین صورت است: «کتابت عتاب امیر اعلی حضرت شاه جم‌جاه جنت‌مکان علین‌آشیانی به جانب سلطان سلیمان پادشاه روم».

این نامه با دو هدف تنظیم شده است: نخست اعلام وصول مکتوب و درخواستی که از جانب احمدپاشا، وزیر اعظم دولت عثمانی، به منظور ایجاد صلح و وفاق بین این دو دولت به شاه ایران نوشته شده است؛ (این مکاتبات پیرو آخرین اردو کشی سلطان سلیمان به ایران در سال ۹۶۱ ه. ق است) و دودیدگر پاسخ به نامه گستاخانه و اهانت-آمیزی که پیش از این از دربار عثمانی به ایران فرستاده شده است. سلطان عثمانی در آن نامه ایرادها و شبهه‌هایی به مذهب و اعتقادات شاه صفوی وارد می‌کند، شاهزاده اسماعیل میرزا بهادر را مورد اهانت قرار می‌دهد و در نهایت شاه تهماسب صفوی را تهدید به جنگ می‌کند. در این نامه مطول به تک‌تک این موضوعات پاسخ داده شده است.

این نامه را می‌توان به شش بخش تقسیم کرد:

۱. خطبه که با اسلوب مرسوم ترسل در عهد صفوی به زبان عربی نوشته شده است؛
۲. تحمیدیه؛
۳. اعلام وصول مکتوب وزیر عثمانی و نیز صدور مشروط فرمان صلح از جانب شاه ایران؛
۴. توصیف نامه سلطان سلیمان (تعیین اسلوب خطاب بین خود و سلطان عثمانی)؛

۵. پاسخ مفصل و مستوفای نامه سلطان عثمانی؛

۵-۱. بیان بی‌کفایتی‌های سلطان سلیمان؛

۵-۲. رد و قطع نسب از سلطان عثمانی؛

۵-۳. اثبات حقانیت امامت امیرالمؤمنین علی (ع)؛

۵-۴. پاسخ به شرط سلطان عثمانی در باب تغییر و ترک مذهب شیعه.

۱. شریطه (تهدیدیه).

پژوهش حاضر بر مبنای بخش پنجم نامه با تأکید بر پاسخ شاه صفوی به سلطان عثمانی در باب تغییر و ترک مذهب شیعه است.

این نامه پیش از این توسط زنده‌یاد استاد عبدالحسین نوایی (۱۳۶۸) تصحیح شده بود؛ اما متن مصحح نگارندگان در موارد متعددی با متن نوایی دارای اختلاف و در برخی موارد دارای برتری‌هایی است. این اختلافات به صورت نسخه‌بدل و با علامت «ن» (به‌نشانه نوایی) و «م» (مجلس) مشخص شده‌اند. قسمت‌های حذف شده از متن اصلی نامه با علامت [...] مشخص شده‌اند.

### ۵-۱. بخشی از نامه شاه تهماسب به سلطان سلیمان

«[...] مهملی که گفته که «ترک مذهب خود داده از سب اصحاب رسول<sup>۱</sup> توبه کنید و پشیمان شوید تا با شما صلح کنیم»، معلوم نکرده‌ای<sup>۲</sup>  
سر چو در محشر ز زیر خاک برخوایم کرد<sup>۳</sup> لعن عثمان و ابابکر و عمر خوایم کرد!  
تا خوارج بیشتر میرد ز گفتگوی ما بیشتر خوایم گفت و بیشتر خوایم کرد!<sup>۴</sup>  
و ندانسته‌ای که<sup>۵</sup> در هیچ زمانی کسی ندیده و نشنیده [...] که از شیعیان آل محمد یک نفر  
تغییر مذهب خود داده. اما هیچ سال و هیچ ماهی نیست که چندین<sup>۶</sup> هزار کس از سنیان<sup>۱</sup>

۱. ن: صحابه

۲. ن: نکرده که

۳. ن: سر چو از خاک لحد در حشر برخوایم کرد

۴. ن: - بیت

۵. ن: و هرگز

۶. ن: - چندین

بداعتقاد پراکنده مذهب<sup>۱</sup> تغییر اعتقاد و مذهب خود نداده<sup>۲</sup> طریق مستقیم اهل بیت اختیار نکند؛ [...] چنانکه در ملک روم و ماوراءالنهر و هندوستان صدسال<sup>۳</sup> پیشتر از این، پانصد تن<sup>۴</sup> شیعه نبودند؛ امروز که سنه<sup>۵</sup> احدی و ستین و تسعمائه است، در هر دیاری از پانصد هزار<sup>۶</sup> متجاوزند روزبه روز در ترقی و تزیاید؛ [...] و عداوت این جماعت مبارک نباشد؛ [...] چنانکه امیرالمومنین علی<sup>۷</sup> علیه السلام فرماید که<sup>۸</sup> «ما عادانا بیت إلاً و قد خربت، و ما عادانا کلباً إلاً و قد جربت و من لم یصدق فلیجرب.» و اگر در این سخن شکی داری درنگر<sup>۹</sup> [...] که آل ابوسفیان چه دیدند؛ و آل مروان و آل زیاد<sup>۱۰</sup> و برامکه و آل عباس که هفتاد هزار گهواره<sup>۱۱</sup> زرین به اطراف و جوانب می بردند و هر یک از ایشان چندین<sup>۱۲</sup> از سادات اهل بیت<sup>۱۳</sup> به قتل رسانیدند [...] که از این مذهب و طریق<sup>۱۴</sup> و از این طایفه اثری باقی نماند، باوجود این همه سعی باطل امروز<sup>۱۵</sup> هیچ کدام را نه اثری و نه مضجعی ظاهر؛ [...] و نسل های ایشان منقطع شد به دست سلطانان<sup>۱۶</sup> عادل<sup>۱۷</sup> و پادشاهان<sup>۱۸</sup> جهانگیر. [...] امروز در شرق و غرب سادات عالی-

۱. ن: + بی ایمان

۲. ن: - مذهب

۳. م: داده

۴. ن: چند سال

۵. ن: کس

۶. ن: - هزار

۷. ن: + بن ابی طالب (ع)

۸. م: شعر «ما عادانا کلب و إلاً و قد جرب / و ما عادانا بیت و إلاً و قد خرب»

۹. ن: به نظر عبرت درنگر

۱۰. ن: - آل زیاد

۱۱. ن: + هزار

۱۲. ن: + و احبای ایشان

۱۳. ن: - طریق

۱۴. ن: - امروز

۱۵. م: سلطان

۱۶. ن: - عادل

۱۷. م: پادشاه



درجات بیشتر از ستارگانند جمله مرفه‌البال<sup>۱</sup> با مال و نعمت و جاه و حشمت؛ و تقیه<sup>۳</sup> که سابقاً به واسطه قلت احباً<sup>۴</sup> و انصار و کثرت اعدا و اشرار<sup>۵</sup> واجب بود، اکنون به سبب کثرت اعوان و انصار مکروه بلکه حرام شد؛ و هند<sup>۶</sup> و سند<sup>۷</sup> و عرب و عجم بلکه من مطلع الشمس الی المغرب لوی محبت اهل بیت و سادات برافراشتند.<sup>۸</sup> [...] و همایون بن بابر<sup>۹</sup> که پادشاه کشورگشای صاحبقران و خسرو عالی‌رای پادشاه‌نشان<sup>۱۰</sup> بود، به کثرت ممالک و شوکت ممالیک<sup>۱۱</sup> از تو و جمیع سلاطین عالم ممتاز بود و طریق عدالت و سبیل نصفت با طوایف رعایا و صنایف<sup>۱۲</sup> برایا مسلوک می‌داشت؛ [...] مال کار او بدانجا انجامید که شیطان لعین خیالات فاسده از بخارات<sup>۱۳</sup> کائفه<sup>۱۴</sup> ادر دماغ او بشورانید که از تجبر و تکبر<sup>۱۵</sup> از ذروه سلطنت و ابهت بر اوج کبریا و عظمت پرواز نموده [...] و در [...] ممالک<sup>۱۶</sup> او<sup>۱۷</sup> شریعت غرا<sup>۱۸</sup> مندرس شد و طاعات و عبادات منهدم گشت و حال<sup>۱۹</sup> به مرتبه‌ای رسید که به طریقه رومیه<sup>۱۰</sup> به علانیه اظهار فسق و

---

۱. ن: در مغرب و مشرق و جنوب و شمال

۲. ن: مرفه‌الحال

۳. ن: با مال و جاه و قوت و ثروت

۴. ن: اختیار

۵. ن: + تقیه

۶. ن: هندوستان

۷. ن: - سند

۸. م: - لوی محبت اهل بیت و سادات || م: برافراشت

۹. ن: همایون

۱۰. ن: هندوستان

۱۱. ن: - ممالیک

۱۲. ن: ضعیف

۱۳. ن: محالات

۱۴. ن: کاسده

۱۵. ن: - که از تجبر و تکبر

۱۶. ن: + که تعلق به او داشت

۱۷. ن: - او

۱۸. ن: - غرا

۱۹. ن: الحاد

فجور می کردند. [...] مثل این خیالات فاسده که از وساوس ابلیس<sup>۲</sup> است<sup>۳</sup> در خاطر او راه یافته [...] که ناگاه قایدان قضا و قدر به یکبار لباس دولت و سلطنت<sup>۴</sup> و عظمت ازو برکشیدند و پلاس مذلت و<sup>۵</sup> خواری درو پوشیدند و با وجود همه ناز و اعزاز و جلوه قدوسی<sup>۶</sup> [...] از شیرخان افغان [...] شکست یافته [...] کار به جایی رسید که در هیچ مملکتی از ممالک خود<sup>۷</sup> قرار نتوانست گرفت؛ تا غزنه و قندهار<sup>۸</sup> و در آن حدود نیز<sup>۹</sup> برادر او کامران که از اعدای دین بود [...] در آن حال لشکر بسیار برداشته راه بر وی گرفت و در مقام قتل وی درآمد. از آنجا نیز [...] فرار نموده خود را به سرحد خراسان به اولیای دولت قاهره<sup>۱۰</sup> رسانید نجات یافت؛ و منهیان عالم بالا به گوش هوش او رسانیدند که لاف گراف از تجبر و تکبر در صف مصاف زدن پسندیده درگاه الهی نیست و به سخنان واهیه و حکایات لاغیه<sup>۱۱</sup> زراندود<sup>۱۲</sup> هنگامه قتال و جدال کرم<sup>۱۳</sup> نتوان کرد؛ و گردن کشی و تکبر و غرور آن متجبر را به اندک فرصتی به طپانچه<sup>۱۴</sup> تادیب مقهور گردانید. آن دیو که در دماغ<sup>۱۵</sup> لهما یون جای گرفته بود

۱. ن: + شومیه

۲. ن: شیطان

۳. ن: + تغییر

۴. ن: - سلطنت

۵. ن: + معزولی

۶. م: قدسی

۷. ن: - خود

۸. ن: تا به جانب قندهار آمد

۹. ن: آنجا هم

۱۰. ن: از اعدا عدو خاندان

۱۱. ن: بی شمار

۱۲. ن: ما

۱۳. ن: لاغیه

۱۴. م: راندود. ظاهراً ترجمه مزخرف است (به نقل از نوایی؛ ۱۳۶۸: ۲۳۱)

۱۵. ن: گرم

۱۶. ن: و گردن کشان متکبر و مغروران متجبر را به اندک فرصتی به طپانچه تادیب مقهور می گردانند

۱۷. ن: + پادشاه

اکنون در دماغ تو منزل کرده و در مقام تجبر و تکبر درآمده در اندیشه دوام و خلود بر مسند سلطنت افتاده‌ای [...] و از غایت طغیان و بی‌باکی راه عناد و استکبار پیش گرفته و از سطوت قهر الهی و غضب و سخط<sup>۲</sup> پادشاهی اندیشه نمی‌کنی و همایون پادشاه [...] به برکت لطف الهی نسبت به این خاندان کمر متابعت<sup>۴</sup> بر میان بست.<sup>۵</sup>

دولت ما به جهان روزبه‌روز افزون است مدد بخت و نکوخواهی گردون بنگر  
آمد از هند همایون که غلامم باشد طالع سعد بین بخت همایون بنگر»

## ۶. بحث و تحلیل

با تلفیق دو دیدگاه هم‌روال سبک‌شناسی انتقادی و تحلیل گفتمان انتقادی متن نامه را تحلیل می‌کنیم. در این رویکرد التقاطی، در سطح «توصیف» از ابزارها و مؤلفه‌های پیشنهادی در سبک‌شناسی بهره می‌گیریم؛ در سطح «تفسیر» به صورت انتقادی به تحلیل نتایج این بررسی‌ها و یافته‌ها می‌پردازیم و بدین ترتیب، وارد حوزه سبک-شناسی انتقادی می‌شویم. در این پژوهش، فرایند تفسیر در امتداد داده‌های سطح توصیف، در تکمیل و توضیح آن، می‌آید. در سطح آخر یعنی «تبیین» به کمک «مربع ایدئولوژیکی»<sup>۱</sup> و راهبردهای عملی تحلیل ایدئولوژیکی ون‌دایک، هم در سطح معنا و هم در ساختار به تحلیل مفاهیم ایدئولوژیکی می‌پردازیم. از این رهگذر نحوه تأثیر ایدئولوژی‌ها بر متن نمایان می‌گردد و نشان داده می‌شود که چگونه فرایندهای تولید و تفسیر تحت تأثیر اجتماع قرار دارند.

---

۱. ن: عظمت

۲. ن: - سخط

۳. ن: + سر متابعت بر آستان ما نهاده

۴. ن: مطاوعت

۵. ن: بر میان جان بسته نجات یافت

۶. ن: دور

در این پژوهش از اصطلاح «گوینده» در معنای عام و با اشاره به نظام قدرت و دستگاه حاکمه استفاده شده است و نه در معنای حقیقی آن؛ چراکه اساساً با توجه به سنت دیوان رسائلِ دربارهای حکومتی، نویسندهٔ نامه هیچ اختیاری دربارهٔ مضمون و موضوع چیزی که می‌نویسد ندارد و در واقع در حکم بلندگویی برای دستگاه حاکمه است؛ لذا استعمال اصطلاح «گوینده» - با ارجاع به پادشاه و دستگاه حکومتی - می‌تواند دلالت‌مند باشد.

## ۶-۱. توصیف و تفسیر

### ۶-۱-۱. سطح واژگانی

#### ۶-۱-۱-۱. رمزگان:

در این بخش و اساساً در سرتاسر نامه، «رمزگان ساختاری» به دو گروه الف) رمزگان نهاد قدرت و ب) رمزگان دینی / مذهبی تقسیم می‌شود و در نهایت از رهگذر «رمزگان فرایندی» نحوهٔ اتکای «گوینده» بر گفتمان‌های موجود مشخص می‌شود. چنانکه می‌بینیم عناصر گفتمان دینی و رمزگان این نهاد در سرتاسر نامه و بالاخص در این بخش برجسته‌تر از رمزگان نهاد قدرت است که این موضوع خود جهت‌گیری ایدئولوژیکی «گوینده» را نمایان می‌کند. در رمزگان فرایندی تاکید و تکیه نمود عینی پیدا می‌کند. «گوینده» با ترکیب واژگان نهاد قدرت و دین ترکیباتی می‌سازد که اولاً تعداد آن‌ها قابل توجه است و ثانیاً ترکیبات ساخته‌شده بیانگر اعتماد و تکیه نهاد قدرت بر دین و گفتمان دینی است. درحقیقت نهاد قدرت مشروعیت خود را از دین و گفتمان مذهبی وام می‌گیرد؛ «مُنْهَیْانِ عَالَمِ بَالَا» او (شاه صفوی) را از اسرار و رموز مطلع می‌کنند؛ دربار او «مجلس بهشت آیین» است؛ نیروهای جنگی سپاهش «قایدان قضا و قدر» هستند؛ خشم او «قهر و غضب الهی» است و یورش او نمودی از «سطوت قهر الهی» است. در نظر شاه صفوی، گفتمان مذهبی آبا و اجدادی وی (تشیع) برتر، اصلح و قدرتمندتر از گفتمان دینی مخاطب او (اهل تسنن) است؛ بنابراین او قدرتمند-تر و برتر از مخاطب خود یعنی سلطان سلیمان قانونی است. به‌سخن دیگر، کارکرد

جدال مذهبی‌ای که بخش وسیعی از نامه را به خود اختصاص داده است تأیید و تثبیت قدرت شاه ایران است و نه صرفاً دفاع از تشیع در برابر اهل سنت؛ چراکه اثبات برتری و حقانیت مکتب شیعه یعنی برتری و حاکمیت شاه صفوی.

### ۶-۱-۱-۲. شاخص

اساساً عناوین و القاب در دو گروه متقابل «ما» و «آنها / دیگری» طبقه‌بندی می‌شود. نویسنده برای شخص خود و افرادی که در طبقه «ما» قرار می‌گیرند، القاب مثبت – چه با اتکا به نهاد دین و چه با اتکا به نهاد قدرت- استفاده می‌کند. برای مثال شاخصی که برای خودش به کار می‌برد، «همایون» است و یا حضرت علی (ع) با

رمزگان ساختاری	
رمزگان دینی / مذهبی	رمزگان نهاد قدرت
سب، توبه، محشر، لعن، خوارچ، طریق، آل محمد، شیعیان، سنیان، بداعتقاد، اهل بیت، موالیان، عادل، بلا، محنت، تقیه، مکروه، حرام، متابعت، نصفت، شیطان، ذروه، قدسی، شریعت، طاعات، عبادات، فسق، فجور، اطاعت، فاسده، وساوس، قضا و قدر، الهی، دین، لاغیه، تأدیب، غرور، فتنه، عناد، سخط، نعمت، عداوت، سبیل	صلح، ملک، گهواره زرین، سلطان، پادشاه، جهانگیر، شدت، مال، جاه، حشمت، لوا، سرکشی، مقام، کشورگشا، صاحبقران، خسرو، تجبر، تکبر، جلوه، دولت، تخت، کامل، کمر، عظمت، دفتر، مجلس، قاید، محیط، قهر و غضب، اعدا، منهیان، درگاه، طپانچه، آشوب، استکیار، سطوت
۴۳ واژه	۳۶ واژه
رمزگان فرایندی	
رمزگان فرایندی با کارکرد مستند کردن قدرت حکومت به دین	رمزگان فرایندی با کارکرد مستند کردن قدرت حکومت به اقتدار خود
سلطان عادل، لوی محبت اهل بیت، مقام عداوت، مقام متابعت، طریق عدالت، سبیل نصفت، جلوه قدسی، کمر اطاعت، خیالات فاسده، قایدان قضا و قدر، محیط قهر و غضب الهی، منهیان عالم بالا، راه عناد و استکیار، سطوت قهر الهی، کمر متابعت، درگاه الهی	پادشاه جهانگیر، پادشاه کشورگشا، خسرو عالی‌رای پادشاه نشان، ذروه سلطنت، کمر انقیاد، سخط پادشاهی، طپانچه تأدیب
۱۶ ترکیب	۷ ترکیب

شاخص «امیرالمؤمنین» آمده است. نکته جالب آنکه در مورد همایون بابر از تکنیک ایدئولوژیکی «عنوان‌دهی» و «تکذیب» استفاده کرده است. اولاً می‌بینیم که عناوین مشخصی برای این پادشاه گورکانی انتخاب شده است. عنوان‌ها نوعاً اطلاعاتی هستند

که در گفتمان، بهتر به خاطر سپرده می‌شوند (ون‌دایک؛ ۱۳۹۴: ۶۵). در اینجا گوینده از شیوه عنوان‌بندی (مقام‌دهی) استفاده کرده است؛ یعنی ابتدا شاه گورکانی را در گروه «ما» قرار داده و سپس بر جنبه‌های ستودنی او تأکید کرده است. ثانیاً عناوینی که برای او قائل شده، از نوع مثبت است؛ اما، این موضوع الزاماً به معنای تأیید و تثبیت او در طبقه «ما» نیست؛ در واقع، گوینده با استفاده از تکنیک تکذیب، از نوع موافقت آشکار، عملاً شاه گورکانی را در مرتبه‌ای پست‌تر از خود و بیرون از گروه «ما» تلقی کرده و آن‌همه تعریف و تمجید در واقع شگردی ایدئولوژیکی است. شاخص‌های زمانی و مکانی نیز در دو دسته معنایی قرار می‌گیرند. تعدادی از آن‌ها مانند «محشر»، «زیر خاک» و «جهنم» طبیعتاً اشاره به زمان و یا مکانی خاص ندارد؛ بلکه در دایره رمزگان دینی معنا پیدا می‌کنند. این ارجاع گوینده به شاخص‌هایی در حوزه رمزگان دینی، خود، مؤید گرایش ایدئولوژیکی و با نگاه دقیق‌تر نمایانگر نگاه آخرت‌گرای گوینده است. دسته معنایی دوم، نمایانگر اقتدار گوینده است. شاخص‌هایی چون «شرق و غرب»، «مطلع الشمس الی المغرب»، «هیچ زمان»، «هیچ سال» و... هر کدام به نوعی افاده عام و از طرفی نافی هرکس و هرزمان جز گوینده و دور پادشاهی او است که کارکرد آن در بافت متن تثبیت و تأیید اقتدار شاه ایران و نیز جهان‌شمولی قدرت او است.

شاخص‌ها		
شاخص‌های زمانی	شاخص‌های مکانی	شاخص‌های شخصی / اجتماعی
محشر، هیچ زمان، هیچ سال، هیچ ماه، امروز (دوره سلطنت شاه تهماسب صفوی)	محشر، زیر خاک، هیچ دیار، شرق و غرب، هند و سند، مطلع الشمس الی المغرب	علی (ع): امیرالمؤمنین شاه صفوی: همایون ما همایون بابر: پادشاه کشورگشای، صاحبقران، خسرو عالی‌رای، پادشاه‌نشان، پادشاه عالم، جلوه قدسی

### ۶-۱-۱-۳. نام‌دهی و طبقه‌بندی کردن

نام‌دهی و طبقه‌بندی کردن (نامیدن/ توصیف کردن)		
۱	عثمان، ابابکر، عمر و خواجه	لعن / لعن کردن (ملعون)
۲	سنی / سنیان	بداعتقاد پراکنده‌مذهب
۳	آل ابوسفیان، آل مروان، آل زیاد، برامکه و آل عباس	کسانی که گهواره‌های زرین به اطراف و جوانب می‌بندند قاتل چندین کس از اهل بیت مستأصل و منقطع‌النسل
۴	سادات و اهل بیت	عالی‌درجات
۵	گوینده (شاه تهماسب)	کسی که در دوره سلطنت او شمار سادات عالی‌درجات بیشتر از ستارگان است و همه آن‌ها مرفه‌البال، با مال و نعمت و جاه و حشمت هستند کسی که در زمان پادشاهی او به سبب کثرت اعوان و انصار [سادات] تقیه مکروه بلکه حرام است کسی که در زمان حکومتش هند و سند و عرب و عجم بلکه مین مطلع- الشمس الی المغرب لوی محبت اهل بیت و سادات برافراشته‌اند و سلاطین ماوراءالنهر که قبلاً در مقام عداوت و سرکشی و عناد و مقاتله و مجادله بودند در این ولا منقاد امر و نهی همایون وی شده در مقام متابعت و مباحث هستند پناه‌دهنده و ناجی جان همایون بابر بعد از اینکه برادرش در مقام قتل او برآمد
۶	همایون بابر	مشهور و ممتاز به کثرت ممالک و شوکت ممالیک سالک طریق عدالت و سبیل نصف صاحب خزاین و دفاین سلاطین هند با تمام اسباب سلطنت، مقهور و مغضوب محیط الهی غلام دربار شاه تهماسب
۷	شیطان	لعین
۸	رومیه / اهل روم	کسانی که به علانیه اظهار فسق و فجور می‌کنند
۹	کامران (برادر بابر)	در زمره اعدای دین
۱۰	سلطان سلیمان عثمانی	کسی که در مقام تجبر و تکبر درآمده است در اندیشه دوام و خلود بر مسند سلطنت افتاده است از غایت فجور مست غرور شده است و فتنه و آشوب در عالم و عالمیان انداخته است از غایت طغیان و بی‌باکی راه عناد و استکبار پیش گرفته از سطوت قهر الهی و غضب و سخط پادشاهی نمی‌ترسد

گوینده از طریق مقام دهی / مقام ستانی و نیز نسبت دهی، جهت گیری خود را نسبت به افراد و اشخاص دخیل در گفتمان از جمله خودش (شاه صفوی) اعلام می کند. به سخن دیگر کارگزاران و مشارکان به واسطه نقش، ارزش و هویشان بازنمایی و سپس طبقه بندی می شوند. بدین ترتیب موضع گوینده نسبت به مشارکان گفتمان مشخص می شود. در این بخش نیز ساختار کلان «ما» در برابر «آن ها / دیگری» حاکم است. شاه صفوی، حامیان و مقتدایان او در طبقه «ما» قرار دارند؛ لذا عناوین و صفات آن ها کارکرد ارزش دهی مثبت دارند و در مقابل مشارکان طبقه «دیگری» ارزش دهی منفی شده اند. بسامد رمزگان نهاد دین (مثبت و منفی) نیز در این حوزه قابل توجه است.

### ۶-۱-۲. سطح نحوی

بندهایی که از جانب گوینده (شاه صفوی) صادر شده است با وجه اخباری و امری، و در نقش خبر، تحذیر و توصیه آمده است؛ و بندهایی که با وجه التزامی یا شرطی (بیانگر قطعیت پایین) آمده باشد، در نقش تحذیر بوده است. همچنین گوینده در توصیف از مخاطب خود (سلطان عثمانی) اعمال و نیت او را با به کارگیری از نظام وجهی «شناختی» که بیانگر عدم شناخت کامل و ناآگاهی است، مانند: خیال کردن، تصور کردن، پنداشتن، به نظر آمدن و... توصیف می کند؛ درحالی که وجوه شناختی ای که در مورد اعمال و رفتار خود به کار می برد، همه از موضع بالا و دارای قطعیت کامل است؛ مانند: درک کردن، عقیده داشتن، دریافتن، دانستن و...

درجه بالای قطعیت تفاخر و تأیید قدرت برتر گوینده	درجه پایین قطعیت تحقیر و تضعیف موضع مخاطب	ردیف
آنچه در باب فتح یمن و صنعا نوشته، رسولان حاکم یمن به درگاه معلی آمده کیفیت آن را بتفصیل به- <u>عرض رسانیده اند، و دانسته ایم</u> که آن نیز از روی مکر و شعبده بوده.	مهملی که گفته ... <u>معلوم نکرده ای</u> و <u>ندانسته ای</u> که در هیچ زمانی کسی ندیده و نشنیده و در هیچ دباری واقع نشده...	۱
ما علمای شما را از وجهی کافر و فاسق و بدبخت و روسیاه <u>می دانیم</u> و تحقیق احوال جمیع ایشان <u>بر</u> <u>تفصیل</u> نه به اجمال <u>نموده ایم</u> ....	مثل این <u>خیالات فاسده</u> که از وساوس ابلیس است در خاطر او راه یافته باد نخوت و غرور از کثرت خزاین و عساکر در دماغ او جای کرده	۲



<p>اعتقاد درست و تقوی و طهارت و پاکی مولد و کون‌درستی در میانه شما نایاب و <b>فضائل و کمالات علمای شما را دانسته‌ایم.</b></p>	<p>مصادق این سیاق و مُصدّق این مصادق آنکه به <b>وسوسه</b> بعضی از شیاطین‌الانوس به <b>باد بُروت خود مغرور گشته خیال تخت شاهان</b> و هوای پادشاهی <b>ممالک ایران در دماغ او جای گرفته.</b></p>	<p>۳</p>
	<p>و آن‌هایی که ایشان را اعلم و افضل <b>اعتقاد کرده‌اید</b> [در معنای تصور کردن و خیال کردن، مفید معنای عدم شناخت و ناآگاهی]، اگر مجال بحث دهید، جولاهان دیار عجم در بحث علمی بر ایشان غالب شوند.</p>	<p>۴</p>

**مقوله وجهیت (بررسی میزان قطعیت متن)**

نوع وجه / نقش گفتاری	بند (پاره گفتار)	ردیف
وجه اخباری / خیر	مهملی که گفته، معلوم نکرده‌ای و ندانسته‌ای که در هیچ زمانی کسی ندیده و نشنیده که از شیعیان آل محمد یک نفر تغییر مذهب خود داده طریق مخالفان آل محمد اختیار کرده باشد.	۱
وجه امری / امر و تهدید	ترک مذهب خود داده از سب اصحاب رسول توبه کنید و پشیمان شوید تا با شما صلح کنیم. / گوینده: سلطان سلیمان عثمانی	۲
وجه اخباری / خیر	هیچ سال و هیچ ماهی نیست که چندین هزار کس از سنیان بداعتقاد پراکنده مذهب تغییر اعتقاد و مذهب خود نداده طریق مستقیم اهل بیت اختیار نکند.	۳
وجه اخباری / خیر	موالیان و شیعیان آل محمد روزه‌روز زیادت می‌شوند.	۴
وجه اخباری / خیر	در ملک روم و ماوراءالنهر و هندوستان صدسال پیشتر از این پانصد تن شیعه نبودند.	۵
وجه اخباری / خیر	امروز در هر دیاری از پانصد هزار متجاوزند روزه‌روز در ترقی و تزیاید.	۶
وجه التزامی / تحذیر	عنقریب است که اهل عالم جمله بر این طریق و مذهب باشند و عداوت این جماعت مبارک نباشد و میمنت ندانسته باشد.	۷
وجه امری / توصیه و ترغیب	درنگر که آل ابوسفیان چه دیدند و آل مروان و آل زیاد و برامکه و آل عباس که هفتاد هزار گهواره زرین به اطراف و جوانب می‌بردند.	۸
وجه اخباری / خیر	هر یک از ایشان چندین از سادات اهل بیت به قتل رسانیدند که از این مذهب و طریق و از این طایفه اثری باقی نماند.	۹
وجه اخباری / خبر و تهدید	نسل‌های ایشان منقطع شد به دست سلطانان عادل و پادشاهان جهانگیر.	۱۰
وجه اخباری / خیر	امروز در شرق و غرب سادات عالی‌درجات بیشتر از ستارگانند جمله مرفه‌البال با مال و نعمت و جاه و حشمت.	۱۱
وجه اخباری / خیر	تقیّه که سابقاً به واسطه قتل احبا و انصار و کثرت اعدا و اشرار واجب بود، اکنون به سبب کثرت اعوان و انصار مکروه بلکه حرام شد.	۱۲
وجه اخباری / خبر	هند و سند و عرب و عجم بلکه من مطلع الشمس الی المغرب لوی محبت اهل بیت و	۱۳

	سادات برافراشتند.	
وجه اخباری / خبر و تحذیر و ترغیب و توبیخ	همایون بن بابر که پادشاه کشورگشای صاحبقران و خسرو عالی‌رای پادشاه‌نشان بود. به - کثرت ممالک و شوکت ممالیک از تو و جمیع سلاطین عالم ممتاز بود و طریق عدالت و سبیل نصفت با طوایف رعایا و صنایف برایا مسلوک می‌داشت.	۱۴
وجه اخباری / تحذیر و خیر	مآل کار او بدانجا انجامید که شیطان لعین خیالات فاسده از بخارات کائفه در دماغ او بشوراند که از تجبر و تکبر از ذروه سلطنت و ابهت بر اوج کبریا و عظمت پرواز نموده.	۱۵
وجه اخباری / تحذیر و خیر	در جمیع اردو و ممالک او شریعت غرا مندرس شد و طاعات و عبادات منهدم گشت.	۱۶
وجه اخباری / خبر	حال به‌مر تبه‌ای رسید که به‌طریقه رومیه به علانیه اظهار فسق و فجور می‌کردند.	۱۷
وجه اخباری / تنبه و تحذیر	قایدان قضا و قدر به یکبار لباس دولت و سلطنت و عظمت ازو برکشیدند و پلاس مذلت و خواری درو پوشیدند و با وجود همه ناز و اعزاز و جلوه قدوسی از شیرخان افغان که یکی از اتباع او بود شکست یافته.	۱۸
وجه اخباری / تحذیر	منهیان عالم بالا به گوش هوش او رسانیدند که لاف گزاف از تجبر و تکبر در صف مصاف زدن پسندیده در گاه الهی نیست و به‌سخنان واهی و حکایات لاغیه زران‌دود هنگامه قتال و جدال گرم توان کرد.	۱۹
وجه اخباری / تنبه	گردن کشی و تکبر و غرور آن متجبر را به اندک فرصتی به طیانچه تادیب مقهور گردانید.	۲۰
وجه اخباری / تحذیر	آن دیو که در دماغ همایون جای گرفته بود اکنون در دماغ تو منزل کرده.	۲۱
وجه اخباری / تحذیر	در مقام تجبر و تکبر در آمده در اندیشه دوام و خلود بر مسند سلطنت افتاده‌ای.	۲۲
وجه اخباری / تحذیر	از غایت فجور مست غرور شده این همه فتنه و آشوب در عالم و عالمیان انداخته‌ای.	۲۳
وجه اخباری / تحذیر	از غایت طغیان و بی‌باکی راه عناد و استکبار پیش گرفته و از سطوت قهر الهی و غضب و سخط پادشاهی اندیشه نمی‌کنی.	۲۴
وجه اخباری / ارعاب و ترغیب	همایون پادشاه به برکت لطف الهی نسبت به این خاندان کمر متابعت بر میان بست.	۲۵
وجه اخباری / هشدار و ارعاب	دولت ما به جهان روزه‌روز افزون است.	۲۶
وجه اخباری / مبالغه	آمد از هند همایون که غلامم باشد	۲۷
	اخباری: ۲۴ بند	امری: ۲ بند
	التزامی: ۱ بند	

### ۶-۱-۳. سطح کاربردشناسی

کنش «تصریحی» دارای بسامد بالای آماری است که این نشانه با توجه به بافت درون‌زبانی (عناصر متنی) و برون‌زبانی (موقعیت حساس سیاسی و اختلافات مذهبی موجود بین طرفین نامه) بیانگر موضع قدرت و اقتدار گوینده است؛ چراکه از این

طریق عقاید و دیدگاه‌های شاه صفوی مطرح، تأیید و تأکید می‌شود. به‌سخن دیگر، در بندهایی از نامه که کنش تصریحی در آن جریان دارد، جهت‌گیری شاه تهماسب نسبت به سلطان عثمانی به‌عنوان متخاصم و ناموافق، و اهل بیت و ائمه اطهار و به‌ویژه علی (ع) به‌عنوان مقتدا و موافق نمایان می‌شود. شاه صفوی از موضع قدرت عقاید خود را صریحاً اظهار می‌کند. کنش «عاطفی» پس از تصریحی بالاترین بسامد را دارد. گوینده، عبارات و بندهایی را که این کنش در آن جاری است برای زمینه‌سازی، آماده‌کردن و یا تحریک‌کردن ذهن مخاطب به‌منظور القای عقاید خود به‌کار گرفته است. در واقع کنش عاطفی نیز در جهت تقویت کنش تصریحی که همان اعمال عقاید و اندیشه‌های گوینده است، عمل می‌کند.

معناشناسی کاربردی (کنش‌های گفتاری)		
ردیف	بند (پاره گفتار)	کنش گفتاری
۱	مهملی که گفته، معلوم نکرده‌ای و ندانسته‌ای که در هیچ زمانی کسی ندیده و نشنیده و در هیچ دیاری واقع نشده که از شیعیان آل محمد یک نفر تغییر مذهب خود داده طریق مخالفان آل محمد اختیار کرده باشد.	تصریحی
۲	هیچ سال و هیچ ماهی نیست که چندین هزار کس از سنیان بداعتقاد پراکنده‌مذهب تغییر اعتقاد و مذهب خود نداده طریق مستقیم اهل بیت اختیار نکنند.	تصریحی
۳	موالیان و شیعیان آل محمد روزبه‌روز زیادت می‌شوند.	تصریحی
۴	در ملک روم و ماوراءالنهر و هندوستان صدسال پیشتر از این پانصد تن شیعه نبودند.	تصریحی
۵	امروز در هر دیاری از پانصد هزار متجاوزند روزبه‌روز در ترقی و تزیاید و عداوت این جماعت مبارک نباشد و میمنت ندانسته باشد.	تصریحی
۶	درنگر که آل ابوسفیان چه دیدند و آل مروان و آل زیاد و برامکه و آل عباس که هفتاد هزار گهواره زرین به اطراف و جوانب می‌بردند.	تصریحی
۷	هر یک از ایشان چندین از سادات اهل بیت به‌قتل رسانیدند که از این مذهب و طریق و از این طایفه اثری باقی نماند.	تصریحی
۸	نسل‌های ایشان منقطع شد به‌دست سلطانان عادل و پادشاهان جهانگیر.	تصریحی
۹	امروز در شرق و غرب سادات عالی‌درجات بیشتر از ستارگانند جمله مرفه‌البال با مال و نعمت و جاه و حشمت.	تصریحی
۱۰	تقیه که سابقاً به‌واسطه قلت احبا و انصار و کثرت اعدا و اشرار واجب بود، اکنون به‌سبب کثرت اعوان و انصار مکروه بلکه حرام شد.	عاطفی
۱۱	هند و سند و عرب و عجم بلکه من مطلع الشمس الی المغرب لوای محبت اهل بیت و	تصریحی

	سادات برافراشتند.	
تصریحی	همایون بن بابر که پادشاه کشور گشای صاحبقران و خسرو عالی‌رای پادشاه‌نشان بود به کثرت ممالک و شوکت ممالیک از تو و جمیع سلاطین عالم ممتاز بود و طریق عدالت و سیبل نصفت با طوایف رعایا و صنایف برایا مسلوک می‌داشت.	۱۲
تصریحی	مآل کار او بدانجا انجامید که شیطان لعین خیالات فاسده از بخارات کاتفه در دماغ او بشوراند که از تجبر و تکبر از ذرّۀ سلطنت و ابهت بر اوج کبریا و عظمت پرواز نموده.	۱۳
تصریحی	در جمیع اردو و ممالک او شریعت غرا مندرس شد و طاعات و عبادات منهدم گشت.	۱۴
تصریحی	حال به مرتب‌ای رسید که به‌طریقۀ رومیه به علایه اظهار فسق و فجور می‌کردند.	۱۵
عاطفی	مثل این خیالات فاسده که از وساوس ابلیس است، در خاطر او راه یافته.	۱۶
تصریحی	قایدان قضا و قدر به یکبار لباس دولت و سلطنت و عظمت ازو برکشیدند و پلاس مذلت و خواری درو پوشیدند و با وجود همه ناز و اعزاز و جلوۀ قدوسی از شیرخان افغان که یکی از اتباع او بود شکست یافته.	۱۷
تصریحی	منهیان عالم بالا به گوش هوش او رسانیدند که لاف گزاف از تجبر و تکبر در صف مصاف زدن پسندیده درگاه الهی نیست و به‌سخنان واهیه و حکایات لاغیۀ زرانددو هنگامۀ قتال و جدال کرم نتوان کرد.	۱۸
عاطفی	گردن‌کنشی و تکبر و غرور آن متجبر را به اندک فرصتی به طابنجۀ تأدیب مقهور گردانید.	۱۹
عاطفی	آن دیو که در دماغ همایون جای گرفته بود اکنون در دماغ تو منزل کرده.	۲۰
عاطفی	در مقام تجبر و تکبر درآمده در اندیشۀ دوام و خلود بر مسند سلطنت افتاده‌ای.	۲۱
عاطفی	از غایت فجور مست غرور شده این همه فتنه و آشوب در عالم و عالمیان انداخته‌ای.	۲۲
عاطفی	از غایت طغیان و بی‌باکی راه عناد و استکبار پیش گرفته و از سطوت قهر الهی و غضب و سخط پادشاهی اندیشه نمی‌کنی.	۲۳
تصریحی	همایون پادشاه به برکت لطف الهی نسبت به این خاندان کمر متابعت بر میان بست.	۲۴
عاطفی	دولت ما به جهان روزبه‌روز افزون است.	۲۵
تصریحی	آمد از هند همایون که غلام باشد	۲۶
تصریحی: ۱۸ بند		عاطفی: ۸ بند
توغیبی: ۰		تعهدی: ۰
اعلانی: ۰		

## ۶-۲. تبیین

بافت برون‌زبانی (موقعیتی) این نامه، ایران عصر صفوی و دقیقاً دوران پادشاهی شاه تهماسب صفوی (۹۸۴-۹۳۰ هـ.ق) در بحبوحه لشکرکشی سلطان سلیمان قانونی به نزدیکی مرز ایران و نیز انعقاد مهم‌ترین پیمان صلح میان دولت ایران و عثمانی است.

در این دوره گفتمان «سیاست» و «دین» دو «گفتمان عمومی» جامعه ایران محسوب می‌شود و یکی از مهم‌ترین پیش‌فرض‌های حوزه فرهنگ و روابط اجتماعی در این دوره «برتری مذهب شیعه» است. این پیش‌فرض در تمام مناسبات اداری، سیاسی، فرهنگی و دیوانی عصر صفوی و از جمله افق دید گوینده این نامه حضور دارد و در جهت حفظ و تقویت قدرت حکومت عمل می‌کند؛ بنابراین کارکردی ایدئولوژیکی پیدا می‌کند. نویسنده مدام از تکنیک‌های ایدئولوژیکی مانند بازتعریف اصطلاحاتی چون «خواص» در برابر «عوام» و یا بازتعریف وجه تسمیه اصطلاح «اهل سنت» در جهت تحقق و تحکیم حاکمیت شاه صفوی و نیز تقویت پیش‌فرض مذکور استفاده می‌کند:

— مراد از سنی آن بود که به سنت معاویه عمل نموده است و مراد از شیعه آنکه به سنت حضرت امیرالمومنین عمل کند؛ زیرا که اگر از وجه تسمیه سنی غرض پیروی نمودن به سنت حضرت پیغمبر بودی، پس چرا طایفه شیعه سنی نباشند؟! [...] و آن سنت عمر خطاب است و نه سنت رسول خدا است. [...] پس معلوم شد که غرض از وجه تسمیه سنی عداوت اهل بیت رسول است و اتباع ایشان از محبان و یک‌جهتان.

می‌بینیم تعریفی که از اصطلاح «اهل سنت» ارائه می‌دهد، در جهت ترفیع جایگاه ایدئولوژیکی خود و تحقیر ایدئولوژی و اعتقادات مخاطب (سلطان عثمانی) است. به عبارت دیگر، پیش‌فرض گفتمان دینی نویسنده یعنی برتری تشیع، که خود بخشی از دانش زمینه‌ای است، مقوم و اعتباردهنده به ساختار اجتماعی یعنی قدرت و حاکمیت

---

۱. گفتمان عمومی، گفتمانی است که بیشترین تعداد کنشگر یا بیشترین کارکرد و حضور را در جامعه داشته باشد، و به نوعی همان گفتمان غالب است؛ با این تفاوت که «کسی [یا گروهی] که بتواند گفتمان عمومی را کنترل کند، به‌طور غیرمستقیم اذهان و افکار (از جمله ایدئولوژی‌های) افراد و بنابر این کردارهای اجتماعی را هم کنترل می‌کند. (ون‌دایک؛ ۱۳۹۴: ۵۲)»

دستگاه صفوی است. در جایی دیگر تیغ پادشاهی و سیاست شاه صفوی را مظهر و تجلی قدرت الهی می خوانند:

– با وجود این همه سعی باطل امروز هیچ کدام را نه اثری [...] جمله مستأصل شدند و نسل های ایشان منقطع شد به دست سلطانان عادل و پادشاهان جهانگیر و هر یک از ایشان به بلایی و محنتی و شدتی گرفتار شده به جهنم واصل می شدند.

قسمت مشخص شده، عبارت کلیدی و مهم این بخش است. معنای تلویحی آن این است که تمام گردنکشی ها و نافرمانی هایی که پیش از این مذکور افتاد، به واسطه سلطانی عادل و شاهی جهانگیر (شاه تهماسب) تأدیب خواهد شد و خاتمه پیدا خواهد کرد؛ همانگونه که پیش از این چنین شده است. در واقع گوینده خود را منتقم خون سیدالمرسلین و نگاه دارنده نام و یاد او می داند. در اینجا نیز شاهد تقویت دانش زمینه ای و ایدئولوژی نویسنده هستیم که در نهایت منجر به مشروعیت و حاکمیت سلطنت صفوی می شود. از طرفی این بخش از متن را می توان در حکم بیت تخلص در قالب شعری قصیده در نظر گرفت! توضیح آنکه گوینده با بیان رشادت های خود در انتقام خون سیدالمرسلین علاوه بر مشروع کردن عملش، به مخاطبش گوشزد می کند که به قدرت خود غره مشو ورنه بر تو همان می رود که بر سر پادشاه گور کانی رفت! در ادامه این بخش و در تأکید عبارات پیشین می خوانیم:

– امروز در شرق و غرب سادات عالی درجات بیشتر از ستارگانند [...] و تقیه که سابقاً به واسطه قلت احبا و انصار و کثرت اعدا واجب بود، اکنون به سبب کثرت اعوان و انصار مکروه بلکه حرام شد.

می بینیم که وجوب، کراهت و یا حرام بودن «تقیه» – به عنوان پیش فرضی از روابط اجتماعی در گفتمان دینی – در ارتباط مستقیم با قدرت و عامل قدرت – ساختار اجتماعی – یعنی شاه صفوی است؛ یعنی آن را تأیید و تقویت می کند. قیده های «امروز» و «سابقاً» نیز ناظر به قیاس عصر شاه تهماسب با دوران امامان شیعه نیست؛ بلکه بیانگر مقایسه وضعیت دیروز و امروز دولت صفوی است. می دانیم که شاه تهماسب اساساً به –

دلیل قلت عساکر در اکثر نبردها خصوصاً با دولت عثمانی از تاکتیک «امحای منابع» بهره می‌برد و نواحی مرزی آذربایجان که ارتش مهاجم عثمانی می‌بایست از آن بگذرد به‌طور منظم ویران می‌شد؛ (سیوری؛ ۱۳۹۷: ۵۶) حال آنکه دولت صفوی برخلاف گذشته، اکنون دارای توان و آمادگی رویارویی و نبرد است؛ زیرا پیروان و سپاهیان فراوان دارد و مناطق زیادی تحت فرمان و منقاد اوست؛ لذا دیگر نیازی به «تقیه» (در اینجا با دلالت «بیم» از دیگری) نیست.

### نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش، بر مبنای رویکرد اجتماعی - نشانه‌شناختی فرکلاف، رویکرد اجتماعی - شناختی ون‌دایک و نیز بر اساس یکی از مؤلفه‌های الگوی جامعه‌شناختی - معنایی ون‌لیوون، نشان می‌دهد که گفتمان «دین» و «سیاست» به‌عنوان دو گفتمان غالب و قدرتمند و تأثیرگذار در دوره مورد بحث حضور توأمان دارند. با توجه به آماري که جدول‌ها در سطح رمزگان (ساختاری / فرایندی) به‌دست می‌دهند، در گام اول وجود دو گفتمان «دین» و «سیاست» تأیید و در گام دوم نحوه استفاده از آن گفتمان‌ها نمایان می‌شود. فراوانی بالای رمزگان نهاد دین در سطح ساختاری و نیز کمیّت و کیفیت ترکیبات رمزگانی در سطح فرایندی بیانگر و نشان‌دهنده اعتقاد و جهت‌گیری ایدئولوژیکی‌گوبنده (دستگاه صفوی) است که در نظام مورد بحث در این پژوهش، این ایدئولوژی همانا تکیه نهاد قدرت بر نهاد دین و گفتمان دینی است. به‌همین دلیل است که گوبنده سعی در اثبات حقانیت و برتری مکتب شیعه دارد؛ چراکه برتری مکتب شیعه - به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مصادیق گفتمان دینی - یعنی حاکمیت و اقتدار شاه صفوی. این موضوع، به شیوه‌های مختلفی در دوره مورد بحث نمایان می‌شود و در مناسبات قدرت و حکومتی عمل می‌کند؛ چنانکه در عنصر زبانی «شاخص» نیز وجود آن گفتمان‌ها و جهت‌گیری‌ها را می‌توان مشاهده کرد.

از آنجا که این فرایندها همگی به‌واسطه کارکرد زبان در سطوح مختلف (واژگانی، نحوی و کاربردشناسی) روی داده است و پایه زبانی دارد، می‌توان گفت

این «زبان» است که هم‌زمان باعث مشروعیت‌بخشی به گفتمان دین و سیاست/ قدرت شده است. با عنایت به آنکه قدرت حکومت با نهاد دین مستند می‌شود، در واقع زبان با مشروعیت‌بخشی به گفتمان دین اقتدار حکومت را حفظ می‌کند؛ و در عین حال اقتدار حکومت نیز بزرگترین ضامن مشروعیت گفتمان دین است!

تحلیل‌های زبانی نشان می‌دهد که ایدئولوژی غالب و مسلطی که در پسِ الفاظ، واژگان، عبارات و جملات این نامه (با قابلیت تعمیم به دیگر مکتوبات و مراسلات این دوره) قرار گرفته است، ایدئولوژی «قدرت» و یا ایدئولوژی «اقتدار طلب» است. این جهت‌گیری اندیشگانی یا ایدئولوژیکی با شگردها و تکنیک‌های مختلفی نمودار می‌شود و قدرت و اقتدار حاصل از زبان را بر مخاطب (دیگری) اعمال می‌کند. از جمله مهم‌ترین این شگردها- در بستر رابطهٔ تقابلی «ما/ آن‌ها» (که مهم‌ترین پیش‌فرض و راهبرد ایدئولوژیکی محسوب می‌شود)- تکنیک «عنوان‌دهی» و «تکذیب» است که به واسطهٔ عنوان یا لقبی (شاخص) مشارئالیه را در گروه «ما» (در برابر آن‌ها) قرار می‌دهد؛ (=عنوان‌دهی)؛ سپس بلافاصله با استفاده از تکنیک «تکذیب» - از نوع موافقت آشکار- مشارئالیه را در مرتبه‌ای پایین‌تر و نازل‌تر از خود قرار می‌دهد. به‌سختی دیگر، گوینده با ارزش‌دهی مثبت برای طبقهٔ «ما» و ارزش‌دهی منفی برای گروه مقابل (آن‌ها) از قدرت زبان برای حفظ اقتدار خود بهره می‌برد.

«زبان» مهم‌ترین ابزار جهت اعمال قدرت بر مخاطب و یا دفاع، حمله و یا گریز از میدان نبرد اندیشگانی و ایدئولوژیکی محسوب می‌شود؛ نزاعی که به گواه مکاتبات موجود، دامنه‌ای طولانی و دراز میان دستگاه حکومتی ایران و عثمانی دارد و حتی به‌استناد منابع ترکی مایه و بارقهٔ جنگ‌های مشهور این دو حکومت به حساب می‌آید (یاشار اوجاق، ۱۳۹۴: ۴۳)؛ لذا در این دورهٔ تاریخی، پادشاهان قدرتمند الزاماً دستگاه و دیوان رسائل قدرتمند و نظام‌مندی نیز بایست می‌داشته‌اند.



## منابع

- آقاگل زاده، فردوس، مریم‌سادات غیثیان (۱۳۸۶)؛ **رویکردهای غالب در تحلیل گفتمان انتقادی**، زبان و زبان‌شناسی، ش ۵، بهار و تابستان، صص ۳۹-۵۴.
- ایگلتن، تری (۱۳۹۸)؛ **درآمدی بر ایدئولوژی**، ترجمه اکبر معصومیگی، چ دوم، تهران: بان.
- پهلوان‌نژاد، محمدرضا، نصرت ناصری مشهدی (۱۳۸۷)؛ **تحلیل نامه‌ای از تاریخ بیهقی با رویکرد معنی‌شناسی کاربردی**، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، س ۱۶، ش ۶۲، صص ۳۸-۵۸.
- \_\_\_\_\_، رحمان صحراگرد و محمد هادی فلاحی (۱۳۸۸)؛ **شیوه‌های بازنمایی کارگزاران اجتماعی در نشریات دوره مشروطه از منظر گفتمان‌شناسی انتقادی با عنایت به مؤلفه‌های گفتمان‌مدار جامعه‌شناختی-معنایی**، مجله تخصصی زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد، پاییز و زمستان، ش ۱، صص ۵۱-۷۳.
- تمیم‌داری، احمد، نیره صدری (۱۳۹۳)؛ **مطالعه سبک‌شناسی وجه‌نمایی در گلستان سعدی در چارچوب دستور نقش‌گرایی نظام‌مند**، مجله پژوهش زبان و ادبیات فارسی، تابستان، ش ۳۳، صص ۱۴۱-۱۸۱.
- **جنگ فرامین و منشآت** (دست‌نویس خطی)، با شماره بازیابی ۳۳۴۹ و شماره مدرک IR10-20684، گردآوری برادرزاده اسکندریگ منشی، محفوظ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی، تهران.
- چندلر، دانیل (۱۳۹۷)؛ **مبانی نشانه‌شناسی**، ترجمه مهدی پارسا، چ ششم، تهران: سوره مهر.
- حسینی سروری، نجمه (۱۳۹۳)؛ **تحلیل انتقادی گفتمان قصیده‌ای از سنایی غزنوی، کهن-نامه ادب پارسی**، س ۵، ش ۱، صص ۶۷-۸۹.
- درپر، مریم (۱۳۹۱)؛ **سبک‌شناسی انتقادی، رویکردی نوین در بررسی سبک بر اساس تحلیل گفتمان انتقادی**، نقد ادبی، س ۵، ش ۱۷، صص ۳۷-۶۲.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۲)؛ **قطیعت بالای متن و قاطیعت نویسنده در سبک نامه نگاری غزالی**، جستارهای ادبی، تابستان، ش ۱۸۱، صص ۷۳-۹۲.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۶)؛ **سبک‌شناسی انتقادی** (سبک‌شناسی نامه‌های غزالی با رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی)، چ دوم، ویراست دوم، تهران: علم.

- زمانی، محمد مهدی و همکاران (۱۳۹۶)؛ **رابطه زبان و قدرت در نخستین شعر نو فارسی (تحلیل گفتمان انتقادی شعر «وفای به عهد»)**، مجله مطالعات زبانی و بلاغی، پاییز و زمستان، س ۸، ش ۱۶، صص ۱۵۷-۱۸۸.
- سجودی، فرزانه (۱۳۹۷)؛ **نشانه‌شناسی کاربردی**، چ پنجم، ویرایش دوم، تهران: علم.
- سلطانی، علی اصغر (۱۳۹۷)؛ **قدرت، گفتمان و زبان (سازوکارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی ایران)**، چ ششم، تهران: نی.
- سیوری، راجر (۱۳۹۷)؛ **ایران عصر صفوی**، ترجمه کامبیز عزیزی، چ بیست و نهم، تهران: مرکز.
- صفوی، کورش (۱۳۸۴)؛ **فرهنگ توصیفی معنی‌شناسی**، چ اول، تهران: فرهنگ معاصر.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۵)؛ **فرهنگ توصیفی مطالعات ادبی**، چ اول، تهران: علمی.
- فوحی، محمود (۱۳۹۲)؛ **سبک‌شناسی (نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها)**، چ دوم، تهران: سخن.
- فرتر، لوک (۱۳۹۲)؛ **لویی آلتوسر**، ترجمه امیر احمدی آریان، چ دوم، تهران: مرکز.
- فرکلاف، نورمن (۱۳۸۷)؛ **تحلیل انتقادی گفتمان**، ترجمه فاطمه شایسته پیران و همکاران، ویراستاران: محمد نبوی و مهرا مهاجر، چ دوم، تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۸)؛ **تحلیل گفتمان انتقادی**، ترجمه روح الله قاسمی، چ اول، تهران: اندیشه احسان.
- ناصری، زهره سادات و همکاران (۱۳۹۴)؛ **تحلیل گفتمان انتقادی داستان مرگ بونصر مشکان بر اساس رویکرد نورمن فرکلاف**، علم زبان، س ۳، ش ۴، صص ۸۵-۱۱۰.
- نوایی، عبدالحسین (۱۳۶۸)؛ **شاه تهماسب (مجموعه اسناد و مکاتبات تاریخی همراه با یادداشت‌های تفصیلی)**، چ دوم، تهران: ارغوان.
- نورگارد، نینا (۱۳۹۷)؛ **فرهنگ سبک‌شناسی**، ترجمه احمدرضا جمکرانی و مسعود فرهمندفر، چ دوم، تهران: مروارید.
- ون‌دایک، تئونای (۱۳۹۴)؛ **ایدئولوژی و گفتمان**، ترجمه محسن نوبخت، چ اول، تهران: سیاه‌رود.
- هلیدی، مایکل، رقیه حسن (۱۳۹۵)؛ **زبان، بافت و متن (جنبه‌هایی از زبان در چشم‌اندازی اجتماعی-نشانه‌شناختی)**، ترجمه مجتبی منشی‌زاده و طاهره ایشانی، چ دوم، تهران: علمی.
- یارمحمدی، لطف‌الله (۱۳۹۳)؛ **درآمدی به گفتمان‌شناسی**، چ دوم، تهران: هرمس.

سبک‌شناسی انتقادی نامه شاه تهماسب صفوی به سلطان سلیمان عثمانی با رویکرد... — ۲۳۱

- یاشار اوجاق، احمد (۱۳۹۴)؛ *روابط عثمانی - صفوی در منابع عثمانی و تاریخ‌نگاری*

*معاصر ترک*، ترجمه علی اصغر دلبری پور و علی حکیم پور، در *تاریخ روابط ایران و عثمانی در عصر*

*صفوی*، به کوشش نصرالله صالحی، چ اول، تهران، طهوری، صص ۲۹-۴۵.

-Johansen, Jorgen and Svend Erik Larsen (2005): *Signs in Use (An introduction to semiotics)*, Second edition, published in the Taylor & Francis e-Library.

-Jeffries, Lesley (2014): "Critical stylistics" in *The Routledge Handbook of Stylistics*, published London.

